

# بُرنا مُستَطِر

قلب شگفت انگیز من...

Borna.montazer.ir

اون دنیا چه شکلیه ؟

مَلّه

واپسه

فهمیدن

ویژگی های

اون دنیا

؟

راهی هست



# ■ اون دنیا چه شکلیه؟

مگه واسه فهمیدن ویژگی‌های اون دنیا راهی هست؟



■ چه جوری بفهمیم اون دنیا چه شکلیه؛ اون دنیا رو میشه با کجا مقایسه کرد؟

گفته بودیم که خدا بی‌نهایت‌پس شباهت به خدا یعنی ما باید نامحدود و بی‌نهایت بشیم.

چرا؟ چون حقیقت وجود ما بخش انسانی وجود ماست که از جنس خود خدا نامحدود و بی‌نهایت‌ه.

پس هدف و دلیل اومدن ما توی دنیا که اسمش رو گذاشتیم شبیه خدا شدن، درواقع همون بی‌نهایت و نامحدود شدنه.

■ حالا چرا باید بین این همه هدف رنگارنگ و هیجان‌انگیز اینو انتخاب کنیم و براش تلاش کنیم؟ چون ما قراره برگردیم به خونه‌مون. خونه‌ای که یه روزی از همون‌جا اومدیم و از قضا اون هم نامحدود و بی‌نهایت. پس ما اومدیم که برای یه زندگی نامحدود و بی‌نهایت آماده بشیم. و با بی‌نهایت بودن شباهت و سنخیت پیدا کنیم. مثل چی؟

مثل یه نوزاد کوچولو که تا وقتی توی رحم مادرشه، داره خودش رو برای تولد به دنیا آماده می‌کنه. یعنی سعی می‌کنه برای هر چیزی که توی دنیا هست، برای خودش ابزار و وسیله بیاره.

هولووی‌بایی

■ بچه‌ساله، یانه؟



QR code را اسکن کنید.



■ اگه فکر میکنین قانون نسبت و تناسب که تو کتاب های ریاضی یاد گرفتیم، فقط به درد امتحان ریاضی میخوره، سخت در اشتباهین!

■ چون خیلی استفاده‌های دیگه هم واسمون داره؛ از جمله تو کشف ناشناخته‌ها! مثلا ما تاحالا این همه از خونه مون یعنی همون جایی که ازش اومدیم و قراره بهش برگردیم، حرف زدیم، اما اصلا خبر نداریم اون دنیا چه شکلیه؟ بزرگیش چقدره؟ شرایطش چه جوریه؟ اونجا چی لازم داریم؟ اصلا کجاست؟ فاصله مون باهاش چقدره؟ آخه همیشه که همه چیز واسمون واضح نیست! یه وقتایی هم لازمه راجع به بعضی چیزها بدونیم که اصلا دم دستمون نیستن!

خب حالا جواب این همه سوال رو باید از کجا بیاریم؟ اینجاست که میریم سراغ نسبت و مقایسه! اما مسئله اینجاست که چی رو باید با چی مقایسه کنیم؟! یادتونه که گفتیم یه سری چیزاست که فقط خالق و سازنده مون یا متخصص معصومی که از طرف خدا اومده، ازش خبر داره؟ نسبت دنیا با آخرت هم یکی از همون چیزاست که به گفته متخصص معصوم با نسبت رحم مادر به دنیا برابره. این وسط ما هم از اوضاع دنیا باخبریم، هم از اوضاع رحم مادر؛ پس با یه دو تا چهارتای ساده می‌تونیم بفهمیم که اون دنیا چه شکلیه و اوضاع آخرتی که این همه ازش حرف میزنیم، از چه قراره!

عدشم چون این یه نسبتیه، پس تو همه چیز بین دنیا با آخرت و رحم مادر با دنیا برقراره. از پیچیدگی و بزرگی و امکاناتشون گرفته، تا ویژگی‌هایی که دارن و خیلی چیزای دیگه!

## ■ ما با خودمون چی می‌بریم؟

■ ببینین الان اگه بخوایم بدونیم بچه ای که داخل شکم مادرشه کجاست، واسمون روشن و واضحه که توی دنیاست. یعنی توی دنیاییه که رحم مادرش هم عضوی از همون دنیاست و کلا رحم مادر رو احاطه کرده. پس یعنی اون بچه توی دنیا، ولی داخل رحم مادرشه؛ یعنی اگه دنیا نبود اصلا مادری وجود نداشت که توی شکمش یه بچه بخواد رشد کنه و بزرگ بشه. خب حالا اگه بخوایم از قضیه نسبت استفاده کنیم، ما هم الان توی آخرتیم، اما داخل رَجَم دنیا! و اگه آخرت نبود، اصلا دنیایی نبود که ما توش رشد کنیم و به تکامل برسیم. همون طور که فاصله بچه ای که تو شکم مادرشه با دنیا اندازه یه تولده. فاصله ما با آخرت هم به اندازه یه تولده؛ یعنی تولد ما از دنیا به آخرت که البته ما از روی عادت بهش می‌گیم مرگ!

## ■ اصلی‌ترین مرحله کدومه؟

■ ما چون هممون باهم توی دنیا هستیم، فکر می‌کنیم اینجا اصله و هر جایی غیر از اینجا مهم نیست. درست مثل چندقلوهایی که ممکنه فکر کنن همه زندگی داخل شکم مادرشون خلاصه میشه و بیرون از اون خبری نیست! اما به محض اینکه پاشون رو از رحم مادرشون بیرون بذارن می‌فهمن که تو شکم مادرشون اصلا خبری نبوده و هر چی چیز قشنگ و جذابه مال این دنیاست و امکانات و غذاها و رنگ‌ها و قشنگی‌های دنیا اصلا با چیزهایی که توی شکم مادرشون داشتن، قابل مقایسه نیست!

■ دقیقا مثل خود ما که فکر می‌کنیم هر خبری هست، تو همین دنیاست و باید تموم عمرمون رو صرف لذت بردن از دنیا و امکاناتش کنیم. اصلا حواسمون نیست که این دنیا فقط یه محل برای آمادگی و کسب ابزار برای ورود به جایه که به شدت پیچیده تر و بزرگتر و جذابتر از دنیای الانمونه و اگه خودمون رو آماده نکنیم، قطعا نمیتونیم ازش استفاده کنیم و فقط عذاب و حسرتش برامون باقی می‌مونه.

## ■ این همه زحمت بیکشیم واسه کی و کجا؟

■ میدونین ما تازه وقتی توی این دنیا اومدیم فهمیدیم معنی رنگ چیه، غذا چیه، بازی چیه، صدا چیه و اون چیزایی که نه ماه داشتیم می‌ساختیم و نمی‌دونستیم برای چی، حالا به چه کارمون میان! تازه فهمیدیم که اگه اونجا برای خودمون چشم، زبون، گوش، دست و پا نساخته بودیم و خودمون رو واسه دنیا و شرایطش آماده نکرده بودیم، اصلا نمی‌تونستیم از چیزایی که توی دنیاست، لذت ببریم. مثلا فکر کن اگه دستگاه گوارش نداشتی هیچ وقت نمی‌تونستی مثل بقیه لذت غذا خوردن رو احساس کنی.



## دوستم

حتی گاهی وقتا پیش میاد که توی این دنیا یکی از اعضای بدنمون رو از دست میدیم و بعد از اون دیگه نمیتونیم دوباره همون عضو رو برای خودمون بسازیم.

QR کد را اسکن کنید.



درست مثل دوست امید که سر به

بی احتیاطی انگشتای دستش رو از دست میده.

قبول دارین اگه ما از تو رحم مادر، خودمون رو واسه دنیا آماده نکرده بودیم، سهممون از این همه کوه و دشت و دریا و خوراکی و بازی و قشنگی و امکانات فقط حسرت و عذاب میشد! اگه خودمون رو برای دنیا آماده نکرده بودیم، نه پای داشتیم که باهاش توی دشت و صحرا بدویم و توی دریا شنا کنیم! نه چشمی که قشنگیای این دنیا رو ببینیم و نه زبونی که باهاش بتونیم مزه میوه ها و خوراکی های خوشمزه رو بچشیم!

یعنی کلا هرچی تو دنیا به دردمون می خورد، همراهمون نبود. اونجوری دقیقا حس کسی رو داشتیم که باحالتترین کنسول بازی رو جلوش بذارن، اما هیچ دسته ای واسه بازی کردن نداشته باشه! یا به یه پارک آبی خفن بره، ولی چون پاش شکسته، حتی نزدیک آب هم نتونه بشه!

## چه جوری انقدر بزرگتر و با امکانات تر؟

■ از همه اینا که بگذریم، چیزی که واسه ما از همه هیجان‌انگیزتره و دلمون میخواد حتما راجع بهش بدونیم، شکل و شمایل اون دنیاست، اینکه واقعا اون دنیا چه شکلیه و اصلا چه امکاناتی داره؟ فکرش رو بکنین وقتی که ما داخل رحم مادرمون بودیم، کلاً به کیسه آب داشتیم و به بند ناف و البته به چیزی به اسم جفت که اکسیژن و چیزایی که واسه رشدمون لازم بود رو واسمون فراهم میکرد، اما ما انقدر با این دو سه تا دونه چیز و فضای تنگ و تاریک شکم مادرمون خوشحال بودیم که اصلا به دنیای بیرون فکر هم نمی‌کردیم.

یعنی راستش رو بخواین خبر نداشتیم که فاصله مون با به دنیای به این بزرگی و قشنگی فقط بدن مادرمونه و بیرون از جایی که هستیم زندگی با شکل و کیفیت دیگه ای جریان داره.

واسه همینم دلمون نمی‌خواست رحم مادرمون رو ول کنیم و بیایم بیرون. هرچی هم که برامون از بستنی و شهربازی و گل و بلبل اینجا می‌گفتن، عین خیالمون نبود که اون دنیا چه شکلیه. دلش هم ساده است! آخه هیچ تصور و شناختی از عالم بیرون از رحم مادرمون نداشتیم. دلمون خوش بود که مثلاً داریم اونجا زندگی می‌کنیم، غافل از اینکه وقتی پامون رو به دنیای فعلیمون گذاشتیم، تازه فهمیدیم زندگی چیه و اون نه ماه رو حتی جزء عمرمون هم حساب نمیکنن. حالا با این حساب فکرش رو بکنین که امکانات و شگفتی‌های اون دنیا هم به همین نسبت با دنیای الانمون فرق داره. اینجوری شاید به خورده بیشتر دستمون بیاد که اون دنیا چه شکلیه!

■ ما داخل رحم مادرمون تو یه فضایی بودیم که بزرگیش تقریبا به اندازه یه توپ بسکتبال بود، اما الان فقط قطر کره ای که داریم روش زندگی میکنیم، حدود ۵۲,۵۲۲,۰۰۰ برابره یه توپ بسکتباله. حالا بماند که خود این کره تو کل این عالم به این بزرگی هیچی به حساب نمیاد! با این حساب خودتون فکرش رو بکنین که دنیای ما چقدر از آخرت کوچکتره و اون دنیا چند برابر دنیای ما میشه!

## دوستت ام

تا وقتی که یه بذر تو یه ظرفه هیچ وقت جوونه نمی‌زنه، اما وقتی به دل خاک و تاریکی پناه می‌بره شروع به رشد میکنه و استعدادش شکوفا میشه. درست مثل ما آدم‌ها که توی دوران جنینی موندن توی رحم مادرمون رو تحمل میکنیم. هر چند ما اون موقع این کار رو با اراده خودمون انجام میدیم و نقشی هم توی شکل‌گیری بدنمون نداریم. ولی وقتی میایم توی این دنیا همه چی متفاوت میشه.



QR کد را اسکن کنید.



Borna.montazer.ir

